موضوع: بررسی مبانی معرفت شناسی در اجتهاد علم کلام

علم کلام، علمی نقلی و عقلی

بعد از بررسی مبانی نقلی در مساله اجتهاد در علم کلام به بررسی مبانی عقلی در این باره می پردازیم. اولین بحث این مساله بررسی مبانی معرفت شناسی آن است .

علم کلام، علمی دو وجهی است: از جهتی عقلی و از جهتی نقلی است. منظور از نقلی بودن یک علم آن است که منبع شناخت و معرفت آن نقل یعنی قرآن و روایات است. و منظور از عقلی بودن یک علم یعنی تفکر و تعقل در منابع دیگر اعم از جهان، طبیعت، انسان، تاریخ و غیره باشد. توضیح اینکه عقل یک کارکرد عام و یک کارکرد خاص دارد: کارکرد عام آن شامل همه علوم می شود و مراد از آن همان اندیشه ورزی و تعقل است. این اندیشه ورزی در هر امری حتی منابع نقلی وجود دارد. کارکرد دیگر عقل مربوط به شناخت در منابع غیر نقلی است. وقتی گفته می شود، علم عقلی، مراد کارکرد عام عقل نیست، بلکه مراد آن است که منبعی که آن علم می خواهد مسائلش را استخراج کند، غیر از نقل یعنی جهان و طبیعت و انسان و ... است (غیر نقل را اصطلاحا عقل گویند). آنجا که منبع شناخت نقل باشد، آن را علم نقلی گویند مانند علم فقه که به بررسی آیات و روایات و استنباط احکام فقهی از آن می پردازد. در مقابل علم فلسفه، علمی عقلی است زیرا منبعی که شناخت صورت می گیرد، هستی است.

با توجه به آنچه گفته شد اکنون می گوییم علم کلام، علمی عقلی و نقلی است به این معنا که بخشی از آموزه ای آن از جهت تفکر در نقل بدست می آید و بخشی از آن از تفکر در غیر نقل مانند طبیعت و انسان بدست می آید. همین مساله یکی از عوامل پیچیدگی های این علم است، زیرا همان مبادی که علوم نقلی بدان نیاز دارد، علم کلام نیز به آن نیاز دارد و همان مبادی که علوم عقلی مانند علم فلسفه بدان نیاز دارد، علم کلام هم می خواهد. متکلمی که می خواهد جامع باشد و در حوزه های مختلف پاسخ گوی مسائل کلامی باشد، باید همه این مسائل را بداند.

نکته: زاویه مباحثی که صورت می گیرد دو گونه است: گاه وقتی درباره یک علم بحث می شود در مقام بایدها و نبایدها هستیم و گاه در مقام هست و نیست ها. آنچه اکنون در بررسی علم کلام مورد نظر ما است، مقام باید است. در مقام هست ها وقتی به تاریخ علم کلام نگاه می کنیم می بینیم که این علم هم صبغه نقلی و هم صبغه عقلی داشته است و در هر دو حوزه ها هم افراط و تفریط هایی همواره صورت گرفته است .

مبادی نقلی همانند قواعد عقلایی زبان محاوره مانند اصالت ظهور و اصالت حقیقت است. همین قواعد در بررسی آموزه های علم کلام نیز کاربرد دارد . قواعد اصول فقه مانند حجیت قطع و ظن نیز در اینجا کاربرد دارد. مبادی دیگری که در این علم مورد توجه است، قواعد منطقی و فلسفی است.

نباید با فلسفه برخورد سلبی نمود. فلسفه همانند یک ابزار مهم است که کسی که بدان مجهز باشد گستره بیشتری در علم کلام دارد در مقابل کسی که به این ابزار مجهز نشده است. فلسفه ابزاری قدرتمند برای پاسخ گویی است و باعث انحراف نمی شود.

ادامه بحث انشاء الله در جلسه آینده دنبال می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد